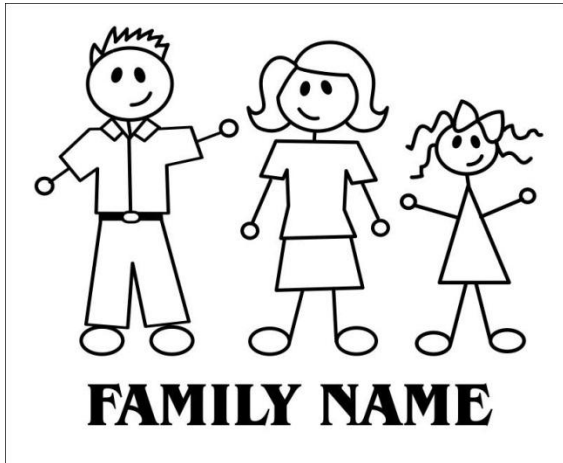


نام و نام خانوادگی در مغرب زمین

مترجم: جعفر راثی تهرانی



درآمد

در مطالعه فرهنگ ملل، یکی از وجوه هویتی آنان، نامهایی است که برای خود انتخاب می کنند. توجه به معنی و تداعی آن با مفاهیم مورد نظر، می تواند در آشنا شدن با نگرش و طرز تلقی آن ملت از موضوعات مورد علاقه شان مفید واقع شود. متن پیش روی، ترجمه و تلخیصی از مقاله نسبتاً بلندی درباره نام و نام خانوادگی در مغرب زمین است که در دایره المعارف بریتانیکا درج شده است البته در مواردی به نام های موجود در فرهنگ های غربی نیز اشاره شده است.

انواع اسامی شخصی

مقوله اسم شخصی (personal name) زیر شاخه ها و اصطلاحات فراوانی دارد. در غرب مسیحی اصولاً به هر شخصی در ابتدای حیاتش (در اروپا و سپس آمریکا) طی انجام مراسم غسل تعمید، نامی داده می شد که به آن اسم، اسم تعمیدی یا مسیحی یا اسم کوچک گفته می شد. در ایالات متحده و کانادا به آن first name یا given name می گویند. به دلیل اینکه بسیاری از افراد دیگر هم صاحب این نام می شدند، یک اسم دیگر (surname) (شهرت) به آنان داده می شد که از دیگر هم نامهای خود متمایز باشند. مثلاً جان هد، (john head) جان هانتز (j.hunter) و جان اسکات (j.scott).

بسیاری از این شهرت‌ها در آن خاندان ثابت می‌ماندند و موروثی می‌شدند. به این گونه نام‌ها که به نام خانوادگی (family names یا surname) می‌گویند در ایالات متحده و کانادا اغلب last name گفته می‌شود. الگوی اصلی اسم شخصی شامل اسم کوچک + اسم خانوادگی است که البته استثنائاتی هم دارد. در میان چینی‌ها و مجارها نام خانوادگی مقدم بر نام کوچک است: مائو تسه تونگ چینی و ناگی ایشتون مجاری که مائو و ناگی نام خانوادگی است. مجارها معمولاً هنگام نوشتن نام خود به انگلیسی این ترتیب را به هم می‌زنند، بنابراین ناگی ایشتون (استیفن) می‌شود ایشتون ناگی، ولی چینی‌ها هیچ تغییری در ترتیب آن نمی‌دهند.

در کانادا و ایالت متحده معمول است که یک اسم دیگر بین اسم کوچک و خانوادگی قرار می‌دهند (که البته معمولاً موقع نوشتن فقط حرف اول آن می‌آید)، که به آن اسم دوم یا اسم وسط (second/ middle) می‌گویند. این اسم می‌تواند در اصل نام خانوادگی دوران دوشیزگی زنی باشد. در اروپا انتخاب اسم دوم به این نحو کمتر معمول است و اغلب در مراسم غسل تعمید یا در نهایت هنگام پذیرش عضو در کلیسا انجام می‌شود. در اکثر کشورهای اروپایی اولین اسم تعمیدی مهمترین آن است و از اسامی دوم و سوم و... می‌توان صرف نظر کرد. در میان آلمانی‌ها، اسم تعمیدی که درست قبل از نام خانوادگی می‌آید مهمترین است. برای مثال اگر یکی از نام‌های تعمیدی در «یوهان سباستین باخ» یا «یوهان ولفگانگ فون گوته» قرار است حذف شود «یوهان» است. اما در مورد یوهان نپوموسینوس نستروی (johann nepomucenus nestroy) اسم به صورت یوهان نستروی خلاصه می‌شود، زیرا نپوموسینوس به قدیسی اشاره می‌کند که نامش یوهان بوده است.

بریتانیایی‌ها نیز اغلب اوقات از الگوی آلمانی استفاده می‌کنند، مثل دبلیو سیدنی آلن (W.Sidney Allen) در مناطق معدودی از اروپا به ویژه در میان نژاد اسلاو شرقی، نام‌هایی که از اسم کوچک پدری مشتق شده اند بین نام خانوادگی و اسم کوچک قرار می‌گیرد.

در روسی چنانچه نام پدر ایوان کریلوف باشد نام پسرش به طور مثال پیوتر ایوانوویچ کریلوف (Pyotr Ivanovich Krylov) خواهد بود و نام دخترش نیز مثلاً واروارا ایوانوونا کریلووا (Varvara Ivanovna Krylova) می‌شود. صورت رسمی خطاب اسامی اشخاص در جمع دوستان، همسایگان، همکاران و افراد مافوق شامل دو بخش اول است: «واروارا ایوانوونا» و «پیوتر ایوانوویچ».

در ایسلند از نام کوچک همراه نام پدری استفاده می شود و از کاربرد نام خانوادگی ممانعت به عمل می آید. در اسپانیا، نام خانوادگی هر شخص شامل نام های خانوادگی پدر و مادر است که به تناسب مهم بودن بر دیگری تقدم پیدا می کند مثلاً در «خوزه ماریا آزنا» «ماریا» و «آزنا» نام خانوادگی والدین خوزه است. لقب Nickname مربوط به شهرتی است که به نام خانوادگی تبدیل نشده است. مثل John Smith Fatty که چاقالو شهرت آقای جان اسمیت بوده است و گاهی by name یا to name گفته می شود.

کاربرد لقب برای متمایز کردن افرادی با نام خانوادگی مشابه بوده که اسم کوچکشان مورد خطاب واقع نمی شده یا اینکه اسم کوچکشان هم شبیه یکدیگر بوده است. در یک روستا ممکن است چندین خانواده جونز (Jones) ساکن باشند. اگر آنها را با اسم کوچک صدا نزنند، شاید شناسایی آنها با شهرت هایی از قبیل رد هد (Red head) (موقرمز)، پاند (Pond) (برکه) و غیره آسانتر باشد.

اسم های جعلی (hypocoristic) عبارتند از اسامی ای که به طور دوستانه و صمیمانه و خودمانی مورد استفاده قرار می گیرند؛ مثلاً تام به جای توماس و جیم به جای جیمز. البته برخی از این گونه های اسم خودمانی، به ویژه در ایالات متحده، به عنوان اسم کوچک اصلی استفاده می شوند.

روند نامگذاری

یکی از نکات مورد توجه در نامگذاری، معنی اسم و تداعی آن است. در این زمینه برای دریافت معنی اسمی مثل فیلیپ (Filip) یا (Philip) باید به سراغ صورت اصلی یونانی آن یعنی «فیلیپو» رفت که به معنی «دوستدار اسبها» (Lover of horses) است. هر چند این معنی کردن اسم ها معمولاً راهی به جایی نمی برند که چندین دلیل دارد: یکی اینکه ممکن است اسم موردنظر از زبان دیگری وارد شده باشد. مثل بعضی اسم های سرخپوستی از قبیل شیکاگو، اوشکوش یا (Oshkosh) و کان کاک (Kan kakee)، یا اسم های یونانی و غیره که از طریق مسیحیت به اروپا و آمریکا وارد شده اند. علاوه بر این گاهی به دلیل تغییرات زبان داشتن معنی اسم ها غیرممکن می شود. مثلاً اسم خاص شهر بیرمنگام (Birmingham) در انگلیسی کهن به معنی «محل زندگی مردم بیورما» بوده است و همین طور است نام آلمانی الاصل جرارد یا

ژرارد (Greard) که زمانی نیزه قوی (Ger- hardo) (Strong Spear) معنی می شده است. بعضی از اسامی خاص کوتاه شده اند مثل لوس آنجلس که کوتاه شده El Pueblo de la Reyna de los Angeles به معنی شهر ملکه فرشتگان است. این شهر به افتخار مریم عذرا (س) نامگذاری شده است.

دلیل دیگر این است که از یک کلمه برای اسم خاص، آن اسم معنی خود را از دست می دهد. مثلاً اسم آکسفورد به معنی گدار گاوه‌های نر (Ford of Oxen) دیگر امروز در ذهن افراد تداعی نمی شود. امروزه به کار بردن نام وایت برای سیاهپوستان عجیب به نظر نمی رسد. و بالاخره اینکه گاهی آن اسم از ابتدا هیچ معنی خاصی نداشته باشد. برای مثال اسم خاص تولونو (Tonolo) یا نام خانوادگی برنال (Breal) از توالی تصادفی مصوتها ایجاد شده اند و معنی و مفهومی جز خوشایندبودن ندارند.

انتخاب اسم

اسم های ماری، مری و جان هر چند ظاهراً معنی خاصی ندارند ولی به دلیل تداعی نام افراد مهم در مسیحیت فراوان مورد استفاده قرار می گیرند. گاهی اوقات وجه تداعی بر معنی آن غلبه پیدا می کند. مثلاً در رابطه با فرقه سنت دیمیتریوس، نام دیمیتریوس یکی از مشهورترین و محبوبترین اسم ها در مذهب ارتودکس مسیحی یونان است. ، هر چند معنی آن از «متعلق به دیمیتتر» است که در رب النوع های آئین شرک بوده است. بعضی از اوقات این موضوع با سن ته‌های ملی ادغام شده است (پاتریک در ایرلند، ایوز (Yves) در بریتانیا، ایشتون در مجارستان و ایوان در روسیه) گاهی نیز به رسومات خانوادگی مربوط می شود است لوئیس یا لوئی در خاندان بوربون فرانسه، ویلهلم در خاندان هوهن زولرن (Hohenzollern) و هنرین (Henry) در خاندان فورد).

در بیشتر موارد، نام های نیک و خوشایند برای کودکان انتخاب می شد، ولی در بعضی فرهنگها (نیمه بیابانی افریقا، یونان قدیم و چین قبل از انقلاب) به بچه ها اسم های زشت و ناخوشایند می دادند تا بدینوسیله ارواح خبیثه تمایلی به آنها نداشته باشند.

آشنایی با مقررات و قوانین مربوط به نام گذاری

انتخاب نام شخصی در کشورها معمولاً تابع قوانین و مقرراتی است. ایالات متحده و بریتانیا به پیروی از شریعت کاتولیک (Roman Law) اجازه تغییر نام را به افراد می دهند. البته بجز مواردی که شخص قصد فریبکاری داشته باشد.

نخستین قانون راجع به انتخاب اسم را شورای ترنت (Trent) در ۱۵۶۳ وضع کرد که بر طبق آن کشیشان کاتولیک در هنگام انجام غسل تعمید کودکان باید بر آنان نام قدیسان مسیحی را می نهادند؛ اگر والدین بر گذاشتن اسم دیگری پافشاری می کردند، کشیش ملزم به رعایت آن می شد ولی همچنان نام قدیس را هم به عنوان نام دوم تعمیدی به آن اضافه می کرد. این مقررات که هنوز هم بخش معتبری از شریعت کاتولیکی است، در مخالفت با آداب پروتستانی بود که اسم نوزاد از اشخاص مهم نام برده شده در عهد عتیق انتخاب می کردند، حتی اگر به مسیحیت ارتباطی نداشته باشد (مثل آبراهام، ساموئل و راشل). از همین نظر، این مقررات در کشورهای کاتولیک با موفقیت اجرا شد ولی نتوانست مانعی برای انتخاب اسامی لاتین ایجاد کند. مانند چه زاره در ایتالیا که از سزار یا قیصر لاتین گرفته شده و ربطی به مسیحیت ندارد.

کتابهای مخصوصی موجود است که برای هر روز از سال نام یک یا چند قدیس برای انتخاب نام نوزاد در روز انجام غسل تعمید در آن نوشته شده است. مرگ « مهمترین قانون بعدی در فرانسه بعد از انقلاب تصویب شد که ابتدا آزادی کامل در انتخاب نام داده شد. نام های جالبی مانند یادگار این دوران است. برای جلوگیری از این روند در (Café Billard) ۱۸۰۳ و کافه بیلار « (Mort aux Aritocrates) اشرافیت

قانونی گذارده شد که به موجب آن نامهای مجاز عبارت بودند از نامهایی که در تقویم های مختلف موجود بود یا نام اشخاص مشهور تاریخ فرانسه. بدین ترتیب از رواج اسم های بحث انگیزی مثل روبسپیر، آرامیس، دارتانیان و رومئو جلوگیری شد. در آلمان به عروس اجازه داده می شود که نام خانوادگی خود را در کنار نام خانوادگی همسرش داشته باشد. مثلاً خانم اینکا اشمیت پس از ازدواج با آقای کارل نویمن، اینکا نویمن - اشمیت نامیده می شود. از خانواده های بریتانیایی تبار به ندرت مشاهده می شود که زن و شوهر هر دو صاحب نام خانوادگی ترکیبی می شوند، مثلاً نام خانوادگی خانم بئاتریکس کرزن و آقای فردریک کولوندی پس از ازدواج به صورت کولموندلی - کرزن در می آید. در کشور چک وقتی خانم آنا کلیمووا با جوزف نوواک ازدواج می کند، گاهی هیچ تغییری در تبدیل می شود یا اینکه در برخی موارد (Novakova) نام خانوادگی

زن یا شوهر ایجاد نمی شود، گاهی نیز نام خانوادگی آنها به نوواکووا نام خانوادگی جوزف به کلیما بدل می شود. این موضوع به توافق طرفین بستگی دارد و در مورد نامگذاری فرزندان هم اعمال می شو.

الگوهای نامگذاری اروپایی

در نظام هند و اروپایی باستان، هر کس یک نام داشت. نام ها یا ساده بودند یا مرکب. نام ساده مخصوص افراد زیردست جامعه و فرزندان آنان بود. نام های مرکب به بزرگان و سرکردگان جوامع و قبایل اختصاص داشت که به ارتباط او با خدایان یا خصوصیات آنان اشاره می کرد. مثل اسامی سانسکریتی وی پوپوترا (پسر ویشنو) ، دواداتا (خداداد) و دیوار (شاه خدایان). نیز در ایران باستان نامهای اوستایی از قبیل هرمز یا هورمزد و نام میتراداد و مهرداد به بزرگان اختصاص می یافت. این شیوه در میان یونانی ها نیز رایج بود، مثل هرودوتوس (عطیه هرا) ، ایزودوروس (عطیه ایزیس) یا تئودوروس (تئودور) و دوروتئوس (دوروتی) که هر دو به معنای خداداد هستند.

همچنین نام های مرکبی مانند آستیاناکس (Astyanax) (شهریار، صاحب شهر)، پریکلس (Pricles) ، (بسیار مشهور) و دموستن (Demosthenes) (قدرت مردم) مورد استفاده قرار می گرفت. نام افلاطون (Plato) یک نام ساده یونانی به معنای «مرد دارای شانه های پهن» یا به اصطلاح چهار شانه است. نمونه هایی از نام های مرکب آلمانی شامل هری برتو (هربرت) ارتش + درخشان، هوگوبرتو (هیوبرت) دارنده افکار تابناک، گودوفریدو (گوتفریدیا جفری) صلح و آرامش ملکوتی، فریدریکو (فردریک) صلح + قدرتمند است. از نمونه های اسم ساده آلمانی می توان به کارل (یا چارلز یا شارل) اشاره کرد که از کارولوس لاتین به معنی مرد و انسان گرفته شده است.

از نام های ترکیبی نمونه اسلاوی می توان به ولادیمیر (فرمانروای جهان) ولادیسلاو (فرمانروایی + عظمت و شکوه) و میروسلاو (جهان و عظمت و شکوه) اشاره کرد.

نظام نام های لاتین کاملاً متفاوت بود. رومی ها در دوران باستان فقط یک اسم داشتند مثل رومولوس، رموس و مانیوس. در دوران بعدی نام اشخاص شامل دو بخش بود: اسم کوچک و اسم دوم (غیر کلیمی) فقط افراد صمیمی و نزدیکان، اسم کوچک را صدا می زدند که تعداد آنها کمتر

از ۲۰ نام بوده که از میان آنها می توان گایوس، گنائیوس، مارکوس، کوئینتوس، پابلیوس، تیریوس و تیتوس را نام برد. اسم دوم به طور موروثی در هر نسل مشاهده می شد مثل آنتونیوس، آئورلیوس، کلادیوس، کورنلیوس، فابیوس، جولیوس و لوسیوس. به دلیل محدودیت در تعداد اسامی اول و دوم، افراد صاحب شهرتی هم می شدند مثل سیسرو (Cicero) (لوبیا)، پیکتور (نقاش)، پلاتونوس (پا پهن و تایتوس (Tacitus) (ساکت). در نهایت رومی ها هم صاحب سه نام شدند، مارکوس تولیوس سیسرو، گایوس جولیوس سزار. بعضی اوقات فرد صاحب نام چهارمی هم می شد مثل پوبلیوس کورنلیوس سی پیو آفریکانوس که به دلیل جنگ موفقیت آمیز خود در افریقا به این شهرت خوانده می شد. وقتی مارکوس تولیوس سیسرو برده ای اهل سوریه را آزاد می کند، نام آن برده به این صورت می شود: مارکوس تیلیوس سیروس (Marcus Tullius Syrus)

وقتی تعداد برده های آزاد شده افزایش یافت، به ویژه پس از پیروزی مسیحیان، برده ها و اسیرهایی که به شهروندی پذیرفته می شدند نام قاضی صادرکننده حکم را به نام خود اضافه می کردند به طوری که در سال ۲۱۲ قبل از میلاد صدها هزار شهروند جدید از جانب امپراتور کاراکالا (Caracalla) صاحب پیشوند مارکوس آئورلیوس شدند. دیگر فرقی نمی کرد که از چه کشوری آمده بودند: یونان، سوریه یا غیره.

نام مسیحی

تغییر دیگری در نامگذاری به دست مسیحیان صورت گرفت. آنان جزو طبقه ای از اجتماع بودند که عملاً به آداب و رسوم طبقه اشرافی پایبند نبودند و ترجیح می دادند نام هایی انتخاب کنند که به دین خودشان مربوط باشد، مثلاً نام قدیسان (پتروس، پائولوس، جووانس و ماریا) یا نام شهیدان دوران بعد از حضرت مسیح. اغلب اشخاصی که اسامی ساده لاتین یا یونانی داشتند مثل استفانوس (حلقه و تاج گل) استفان جدید، لورنتیوس «لورل» (لارنس جدید) و سیدونیوس (اهل سیدون) در فنیقیه (سیدنی جدید).

مسیحیان به تدریج اسم های مخصوصی را ساختند از قبیل بندیکتوس (Benedictus) (مورد لطف و مرحمت قرار گرفته)، دزیدریوس (Desiderius) (نیازمند رستگاری، رستگارطلب) و رناتوس (Renatus) تولد دوباره از طریق غسل تعمید.

با گسترش مسیحیت، در نواحی و مناطقی که به امپراتوری رم تعلق نداشت، اینگونه نام‌ها، هر چند با پراکندگی، رواج یافت، در میان نژاد ژرمن و اسلاو (که نیمی از آن تحت سلطه کلیسای شرق اروپا بود) استفاده از بسیاری اسامی اصیل غیرمسیحی ارائه یافت که دلیل این امر سنت موجود و نیز این بود که صاحبان اینگونه اسامی خود از قدیسان بودند.

نام خانوادگی

استفاده از نام خانوادگی از اواخر قرون وسطی (حدود قرن ۱۱ میلادی) شروع شد و در قرن ۱۶ تکمیل شد. به نظر می‌رسد به کاربردن نام خانوادگی از خانواده‌های اشرافی آغاز شده باشد. بدین طریق که شهرت (surname) فردی مبنای آن قرار گرفت. به نحوی که ضمن انتقال از پدر به پسر تغییر می‌کرد و حتی در طول عمر شخص قابل تغییر بود. یک اسم موروثی که به صورت نام خانوادگی درآمده باشد استمرار آن خاندان را یادآور می‌شود و البته پرستیژ یا سهولت مکاتبات اداری و ثبت اسناد و مالکیت و غیره را نیز باید از استفاده‌های نام خانوادگی شمرد. نام‌های خانوادگی معمولاً از طریق کوتاه کردن اسم کوچک ایجاد می‌شد، به طور مثال از هنری اسم‌های هری، هریس، هال و هالکین؛ از گیلبرت اسم‌های گیبز، گیبون، گیبین، گیپس، گیلیبی و گیلپین و از گرگوری اسم‌های گرگ، گریگ، گرگر، گرمگیر و گریگ ساخته شده است.

منابع دیگر نام خانوادگی عبارتند از: القاب و کنیه‌ها، شغل‌ها، اسامی خاص (شهر، کشور،...).

القابی شبیه بیگز (Bigs)، لیتل (Little)، گرانت (Grant)، گریت هد (Great head) بیور (بیدستر) (Beaver) و پارتریج کبک (Partridge).

شغل‌ها و پیشه‌ها:

آرچر (Archer) (تیرانداز - کمانگیر)، کلارک (Clark)، کلرک (Clerk) (منشی، دبیر)، باند (Bond)، باندز (Bonds)، باوند (Bound)، باند (Bundy) (ضامن).

(اسم شهر و کشور و...) والاس (Wallace) (اهل ولز) آلینگتون، موری (Murray)، هاردس (Hards) ویتنی، (Whitney) (محل‌هایی در بریتانیا)، فیلد (Field) (میدان)، بروکز (Brookes) (نهر، جویبار) وودز (Woods) (جنگل).

تعداد بسیاری از نام های خانوادگی از اسم کوچک پدر گرفته شده است. در انگلستان معمولاً پسوند son. با تلفظ سان یا سون به انتهای اسم کوچک اصلی پدر یا یکی از صورتهای کوتاه شده آن اضافه می کنند. مثلاً از اسم کوچک ریچارد علاوه بر ریچاردسون، نام های خانوادگی دیکسون، دیکسان و دیکنسون ساخته می شود (Dickson, Dixon, Dickinson).

از هنری: هنریسون، هریسون و هندرسون (Henryson, Harrison, Henderson).

از گیلبرت: گیلبرتسون، گیبسون، گرگسون و گریگسون (Gilbertson, Gibson, Gregson)

نام خانوادگی پدری با پیشوند فیتز (Fitz) (ش فیتز جرالده)، به ویژه در خاندان های قدیمی، مربوط به واژه fis (پسر) در زبان نورمن فرانسوی است.

وجه تمایز نام های خانوادگی اسکاتلندی از انگلیسی، وجود پیشوند مک (Mc, Mac) (مک گرگور) است. در ایرلند علاوه بر Mc یا Mac، گاهی یک پیشوند o (اُ) به ابتدای نام اضافه می شود (Mac OBrein مک اُبراین). نام خانوادگی ولزی ها یک پیشوند p دارد (پاول، پسرهاول) (Powell "son of Howell").

در یونان نام خانوادگی پدری با اضافه کردن پسوند درست می شود، ایمیتریو پولوس یعنی پسر دیمیتریوس. در فرانسه از اسم کوچک ژاک (Jacques) دوازده اسم ژاک، ژاکو، ژاکوت، ژاکوتن، کوته، کوتین، کوتین، ژاکن، ژاکنه، ژاکنو، ژاکار و ژاکیه ساخته می شود.

اسم های کلارک، لوکلور، دوکلور، اُکلور و کلرگ (Clerk) و (Clerc) و (Clergue) و (Duclerc) و به معنی (منشی و دبیر)، بوشه (Boucher) (قصاب) (بولانژ) (Boulangier) نانوا و ماسون (Masson) بناً مربوط به شغل و پیشه است.

چنین الگویی تقریباً در سراسر اروپا مشاهده می شود. برخی از نام های خانوادگی از القابی گرفته شده اند که مربوط به رفتار یا اتفاقی است که امروزه قابل درک نیست. مثلاً در کشور چک نام خانوادگی Nejezchleba نِچ لبا (نان نخورید) و Skocdopole / اسکوک دوپول (Jump into the Field) (پپرید به میدان) است که کاملاً عجیب به نظر می آید.

ساخته شدن نام خانوادگی یهودیان اندکی متفاوت است. آنان در زمان زندگی در گتوها فقط اسم کوچک داشتند. در اوایل قرن نوزدهم، آنها به اختیار یا اجبار صاحب نام خانوادگی شدند.

بسیاری از این نام‌ها ریشه مذهبی دارند؛ کانتور، کانترینی، کانتورویچ (روحانی رتبه / رده پایین) کهن (Kohn)، کوهن، کاهن، کان (Kaan)، کاهان (روحانی)، لوی (Levi)، هاله وی و لوی (نام قبیله روحانیون). البته اسم‌های غیرمذهبی نیز گاهی به یهودیان داده شده است. مثل هیرش (Hirsch) (گوزن در زبان آلمانی)، ابرستارک (Eberstark) (قوی چون گراز)، روزن دافت (Rosenduft) (عطر رز) و هیت زیگ (Hitzig) (داغ).

نام‌های قفقازی شام اسم فردی و اسم قبیله ای (نژادی) است. نام پدر هم ممکن است اضافه شود، بنابراین گالوج تی سوسلانی فیرت نافی (Gaglojty Soslany Fyrt naif) یعنی نافی پسر سوسلان از نژاد گالو.

در چین از قرن چهارم قبل از میلاد مسیح تاکنون روش نامگذاری موروثی برقرار است. در حال حاضر تعداد نام‌ها به ۲۰۰ نوع کاهش یافته است. «چان»، «مائو» و «لو» (Chan, Mao, Lu) نمونه‌هایی از این اسم‌ها هستند. انتخاب اسمی قبلاً آزادانه تر بود ولی امروزه قوانین و مقررات محدودیت‌هایی برای آن قائل شده است.

در کره تعداد نام‌های خانوادگی به ۳۰۰ نوع کاهش یافته است ولی سه اسم کیم، پاک و یی (Kim, Pak, Yi) مورد استفاده اکثریت قابل توجهی از خانواده‌ها قرار می‌گیرند. انتخاب اسم فردی محدودیت‌هایی دارد، بدین گونه که یکی از دو هجای آن باید برای تمام افراد آن نسل از خاندان یکسان باشد و آن اسم حتماً باید معنی خوشایندی داشته باشد.

در میان سرخپوستان هیچ اسمی نیست که ربط یا اشاره‌ای به خداوند داشته باشد. در عوض نام‌های مرتبط با توت‌م، حیواناتی که در خواب می‌بینند یا برایشان بدشگون باشند و نیز اسم‌هایی که به رویدادهای موفقیت آمیز زندگی شان مربوط باشد، مورد استفاده فراوان دارد. سرخپوستان ساکن امریکای شمالی که نام‌های انگلیسی را نپذیرفتند اکنون ترجمه نام‌های خود را به انگلیسی استفاده می‌کنند (که گاهی موروثی نیز نیست) مثل John sleepin owl (جان جغد خوابیده) و (Mary little Bear) (مری خرس کوچک).

منبع: دایرةالمعارف بریتانیکا: Historical and Cross-cultural development of names

نسخه نخست این ترجمه در «فصلنامه نجوای فرهنگ» سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۲۹ تا ۱۳۶ به چاپ رسیده است.

